



عکس: ایسنا

حضور هوانیروز ارتش در عملیات خیبر

نگاهی به پشتیبانی جنگنده ها و بالگردهای ارتش از نیروهای زمینی در عملیات «خیبر»

# پرواز در مه

علی غفوری | پژوهشگر تاریخ جنگ

جنگ ایران و عراق فراز و نشیب‌ها و عطف‌های بسیاری داشته که نبرد خیبر از جمله این نقطه عطف‌ها است. درباره این عملیات عظیم که در میانه جنگ رخ داد، سخن زیاد گفته شده اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته نقش پشتیبانی دو طرف جنگ از نیروهای زمینی است. از جمله نقش نیروهای هوایی و هوانیروز که در این عملیات قابل توجه است. مطلبی که در ادامه می‌خوانید به نقش نیروهای پشتیبانی کننده ذکر شده در نبرد بزرگ خیبر در اسفند ۶۲ می‌پردازد.

پاییز ۶۲ در حالی آغاز شد که عراق به کمک نیروی هوایی بازسازی شده‌اش شهرها و صنایع ایران را زیر بمباران‌های گسترده قرار داد. میک ۲۵ با بهره‌گیری از فناوری پیچیده شرکت میکویان شوروی از ارتفاع معادل ۸۰ هزار پا و سرعتی بین ۲ تا ۳ هزار کیلومتر دور از دسترس پدافندهای ایران خود را به شهرهای اصلی‌مان نظیر اصفهان و تهران رسانده و موجب نمانی اقتصادی و سیاسی کشور می‌شد. در این ارتفاع تنها اف ۱۴ها قادر بودند حریف این شکاری شوند که آن هم چند فاکتور باید با هم جمع می‌شد تا خلبان ایرانی در موقعیت شلیک قرار گیرد. در دریا هم میراژها و سوپر اتانداردها تجهیزات نفتی و نفتکش‌های حامل سوخت ایران را مدام تهدید می‌کردند. در چنین شرایطی فرماندهی جنگ از نیروهای مسلح خواست تا یک باک عملیات بسیار

بزرگ و تسخیر بصره موجب سقوط صدام و پایان این جنگ تحمیلی شوند. در آن زمان ایران پس از خرداد ۶۱ و عملیات بیت المقدس که منجر به

آزادسازی خرمشهر و شکست سپاه سوم عراق شد، پیروزی بزرگ زمینی دیگری به‌دست نیاورده بود. عملیات مورد نظر که خیبر نام گرفت قرار بود جاده استراتژیک العماره به بصره را قطع کرده و نیروهای سپاه و ارتش از شمال و شرق، شهر راهبردی بصره را زیر فشار گذاشته و عملاً ارتش عراق را دو نیم کنند. طرح بسیار بلندپروازانه بود و دامنه فعالیت رزمندگان تمام هورهای صععب‌العبور شرق بصره، اطراف دجله، شرق القرنه و نیمی از جبهه جنوب را در برمی‌گرفت. کم نبودند فرماندهانی از ارتش و سپاه که خواستار بررسی و شناسایی بیشتر طرح از سمت نیروهای گشتی و شناسایی بودند اما چنانکه گفته شد مقامات سیاسی کشور در بهمن ۶۲ برای به‌دست آوردن یک پیروزی بزرگ تحت فشار بودند. سبیل سلاح‌های ارسالی به عراق بویژه توسط فرانسه و شوروی این پیام شوم را به همراه داشت که «دیر یا زود اگر حمله نکنیم این عراق است که حمله را آغاز خواهد کرد».

چنانکه گفته شد هورها مانع بزرگی برای جابه‌جایی زمینی نیروها بود بنابراین باید از بالگردهای هوانیروز بهره گرفته می‌شد. همچنین دولت با استفاده از وسایل ترابری غیر نظامی خطوط گسترده تدارکات زمینی برای لشکرهای آماده حمله را تدارک دید. به نیروی زمینی هم دستور داده شد

سه‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۰

سال بیست و هشتم

شماره ۷۸۵۶

فراهم می‌کردند. فرمانده وقت هوانیروز سرهنگ جلالی برای روحیه دادن به نیروها، خود اولین

بالگرد را به پرواز درآورد و در مجنون نشست. اما بلافاصله مدافعان جزیره بعد از غافلگیری اولیه دست به اسلحه شده و با هر سلاحی که در دست داشتند به بالگردها شلیک را آغاز کردند. بالگردهای شینوک بدنه بسیار محکمی دارند و هنوز هم ستون فقرات نیروهای ترابری آمریکا و ناتو را تشکیل می‌دهند اما دشمن آنها توپ‌های بزرگ پدافندی و آرپی‌جی ۷ است. روز اول نبرد چند بالگرد کوچک صدمه دیده با سقوط کردند و ۵ بالگرد بزرگ شینوک نیز توانستند با وجود شدت آتش، نیروهای خود را پیاده کنند. روز دوم عراقی‌ها با انتقال تسلیحات سنگین به جزیره شرایط را سخت‌تر کردند و بالگردهای بیشتری مورد اصابت قرار گرفتند. یکی از فعال‌ترین خلبانان آن روز سروان عادل‌ی‌پور و کمکش سروان ترابی‌نژاد بود. این دو مرد دلاور در روز دوم نبرد ۱۲ بار نیرواز خاک ایران به مجنون منتقل و بالعکس مجروحان را بازگرداندند. اما بار سیزدهم توپ‌های عراقی شینوک این مردان بزرگ را به گونه‌ای هدف قرار داد که دو خلبان آن با تمام تلاشی که کردند نتوانستند فرود آیند و به اتفاق سرنشینان زرمنده در اثر سقوط شهید شدند. از طرفی به دلیل حملات هواپیماهای عراقی سرهنگ (شهید) عباس بابایی معاون وقت عملیات نیرو دستور داد تا اف ۱۴ها تمام مدت بالای سر قرارگاه‌های خاتم و کربلا باشند. همچنین بمباران‌های ستون‌های زرهی دشمن نیز آغاز شد. عراق که در مجنون نمی‌توانست از تانک استفاده کند به نیروهای شمال منطقه نبرد، حمله زرهی کرد.

سرتیپ حسین خلیلی از خلبانان باسابقه نه‌اج می‌گوید: آنقدر فشردگی نیروها زیاد بود که ممکن بود هر لحظه هواگردهای خودی را خودمان بزنیم بنابراین تعداد زیادی خلبان به خط مقدم فرستادیم تا رزمندگان زمینی به اشتباه خودی‌ها را نزنند. سنگین‌ترین بخش نبرد در القرنه بود. شهری بین العماره (استان میسان) و بصره. از روز چهارم نبرد عراق چنان با چنگ و دندان خط دفاعی خود را نگاه داشت که تقریباً «عنصر غافلگیری» دیگر بی‌اثر شد. ارتش عراق در جابه‌جایی نیرو بسیار توانمند بود. نیروهای مهندسی این نیرو در کنار لشکرهای موتوریزه این امکان را به آنها می‌داد که سریعتر از ایران تحرک داشته باشند. از آن سو بمب‌افکن‌های عراقی بدون هراس از موشک‌های اف ۱۴ها با کاستن از ارتفاع، بمباران‌های گسترده نیروهای ایران در القرنه، اطراف بصره و مجنون را آغاز کردند. عراق به این نیز قناعت نکرده و برای مقابله کردن تام‌کت‌ها به شهرهای غربی ایران نظیر خرم‌آباد، پل دختر، ایلام، پانه، اسلام‌آباد و کوه‌دشت حمله کرد. در این حملات چند هواپیمای دشمن نیز به زیرکشیده شدند. ۶ اسفند هلی برن نیروهای ایرانی ادامه می‌یابد اما عراق نیز با کمک بالگردهای روسی صدها کوماندو در جزیره پیاده می‌کند اگر چه در یک بخش از جبهه، دسته سوم عراقی اسیر یک واحد موشک‌انداز نسیپا مجهز به موشک شانه پرتاب سام ۷ شد و ۷ بالگرد عراقی به همراه سرنشینانش هدف قرار گرفته و کل دسته از بین می‌رود. از آن سو بالگردهای غزال دشمن نیروهای پیش تاخته خودی را زیر آتش می‌گیرند. هفت اسفند، ۲۴ فروند میک ۲۳ را برای بمباران ناشی بندر امام می‌کند اما با ورود دو اف ۱۴ و ساقط شدن یک میک ۲۳ دسته مذکور باز می‌گردد.

عملیات خیبر در ۸ اسفند به سخت‌ترین بخش خود می‌رسد. عراق با احداث جاده موقت قلعه صالح به بصره (ایران راه اصلی کمک‌رسانی یعنی العماره-بصره را تصرف کرده بود)، ده‌ها هزار نیروی کمکی به بصره رسانده و تک‌های سنگین دشمن آغاز می‌شود. جمله‌های معروف «داریم ذوب می‌شویم» یا «در هیچ عملیاتی اینچنین شهید ندادیم» مربوط به این بخش از عملیات است. بسیاری از فرماندهان سپاه و ارتش ادامه عملیات را دیگر به صلاح نمی‌دانستند. عراق توپ‌های خود را روی طلاویه متمرکز کرده و مانع تقویت جبهه خودی می‌شد درحالی که نیروهای باقی‌مانده ایران با گذر از جان خود با سلاح‌های نیمه سنگین سعی می‌کردند مانع تک‌های دشمن شوند، پایگاه‌های پوشهرو درفول ده‌ها تن بمب روی محل تجمع دشمن در اطراف کانال ماهی در شرق بصره ریختند اما عراق با ورود ده‌ها سوخوی ۲۲، هواپیماهای سبک پی‌سی ۷ پرای شکار بالگردهای ایرانی و بالگردهای هایند و غزال بدون توجه به تلفات سنگین، رزمندگان را تحت فشار گذاشتند. قابل ذکر است که عراق در چند ماه قبل ۱۰۰ بالگرد دریافت کرده بود. نهم اسفند با وجود اصابت موشک و توپ به بالگردهای ایرانی و سقوط چند بالگرد دیگر ایران به تقویت نیروهایش پرداخت.

نیروهای مهندسی رزمی ایران با احداث پل روی مرداب‌های هورالعظیم نه تنها هزاران نیروی جدید به منطقه رساندند بلکه سپاهت‌های عظیم موشکی هاوک را به مجنون منتقل کرده و سعی کردند مجنون را به هر قیمت نگاه دارند. سقوط هواگردهای عراقی مدام افزایش می‌یافت و صدها تانک و نفربر عراقی به آتش کشیده شده و تلفات دشمن نیز افزایش یافت اما نیروی هوایی عراق با حملات در دسته‌های ۵۰ فروندی و استفاده از بمب‌های شیمیایی نشان داد که نیروهای زمینی عراق تنها نیستند. افزایش آمار شهدا از یکسو و کاهش پیشروی و عقب نشینی نسبی نیروهای

## «

از روز چهارم نبرد عراق چنان با چنگ و دندان خط دفاعی خود را نگاه داشت که تقریباً «عنصر غافلگیری» دیگر بی‌اثر شد. ارتش عراق در جابه‌جایی نیرو بسیار توانمند بود. نیروهای

مهندسی این نیرو در کنار

لشکرهای موتوریزه این امکان

را به آنها می‌داد که سریعتر از

ایران تحرک داشته باشند. از آن

سو بمب‌افکن‌های عراقی بدون

هراس از موشک‌های اف ۱۴ها

با کاستن از ارتفاع، بمباران‌های

گسترده نیروهای ایران در القرنه،

اطراف بصره و مجنون را آغاز

کردند

## بازرسی

## «

آنقدر فشردگی نیروها زیاد

بود که ممکن بود هر لحظه

هواگردهای خودی را خودمان

بزنیم بنابراین تعداد زیادی

خلبان به خط مقدم فرستادیم

تا رزمندگان زمینی به اشتباه

خودی‌ها را نزنند. سنگین‌ترین

بخش نبرد در القرنه بود

قرارگاه‌های نجف و کربلا سبب شد مدیریت جنگ به حفظ مجنون بسنده کند و دشمن با وجود شلیک صدها هزار گلوله توپ و صدها سورتی بمباران هوایی نتوانست مجنون را پس بگیرد.

■ نقش تجهیزات در نبرد خیبر

نبرد خیبر یکی از بزرگترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های تاریخ دفاع مقدس بود که البته منجر به موفقیت‌هایی نیز شد اگر چه با حجم شهدا همخوانی نداشت. در این عملیات نیروهای زمینی کشور از ارتش، سپاه و بسیج بالغ بر ۲۴۶ گردان پیاده، ۳۷گردان زرهی و ۷ گردان توپخانه شرکت داشتند. نیروی هوایی ارتش نیز در این عملیات با ۶۳۱ پرواز گشت هوایی مانع بمباران نیروهای خودی شد و همچنین با استفاده از هواپیماهای سنگین ۷۴۷ و سی ۱۳۰ و تانکرها ۹۴۴ پرواز انتقال نیرو، سوخت‌رسانی و انتقال تجهیزات انجام داد. مناسبانه به‌دلیل کاهش توان تهاجمی نیروی هوایی، تنها ۲۰ پرواز برای بمباران دشمن انجام شد. در حقیقت از سال سوم جنگ بیشتر وظایف نیروی هوایی به گشت‌های هوایی برای ممانعت از حمله هوایی دشمن یا انتقال تجهیزات و نفرات و شناسایی و شنود محدود شده بود. البته توان پدافند زمینی واف ۱۴ها بالعکس حتی تقویت هم شده بود اما به‌دلیل تحریم‌ها و دید نه چندان مثبت فرماندهان جنگ به نیروی هوایی نتوانستیم همپای عراق، تجهیزات هجومی برای نیروی هوایی فراهم کنیم درحالی که دشمن در خیبر حداقل ۱۰ برابر ما از هرم بمباران‌های هوایی بهره برد. آنتونی کوزمن محقق غربی، پروازهای رزمی عراق را در این عملیات روزانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ سورتی ذکر می‌کند. هوانیروز (نیروی هوایی نیروی زمینی) نیز در این عملیات قوی ظاهر شد و با ۳۲ بالگرد هجومی کبرا، ۴۴ بالگرد ترابری بل ۱۲، ۱۲۴، ۱۰ بالگرد بزرگ شینوک و ۱۰ بالگرد کوچکتر ۲۰۵ و ۲۰۶ بیش از ۱۹ هزار نفر را جابه‌جا کردند. ایران در این عملیات موجب کشته و زخمی شدن ۱۵ هزار عراقی و اسارت ۱۱۴ نیروی دشمن شد و ۱۵۰ تانک و نفربر دشمن، ۹۰ بالگرد و ۷ هواپیمای عراق نابود شدند. اما به اعتقاد نگارنده با وجود شجاعت نیروهای ایرانی و شهادت چند فرمانده بزرگ سپاه هدف اصلی عملیات یعنی محاصره کامل و فتح بصره محقق نشد. جنگی که از شهریور ۵۹ به ایران تحمیل شد، به مرور تجهیزات کلاسیک ارتش و اقتصاد ایران را فرسوده کرد حال آن که از سال سوم جنگ انبوه میراژها، میگ‌ها و بالگردهای جدید توان هوایی عراق را بشدت افزایش داد. این اتفاقات سبب شد تا وضعیت نیروهای مسلح ایران در اسفند ۶۲ مشابه اردیبهشت ۶۱ (عملیات بیت المقدس) نباشد. آن زمان نیروهای مسلح عراق پس از ۱۸ ماه فشار شکاری‌های ایران، تنها اندکی بالگرد و ۱۰۰ جنگنده برایشان مانده بود حال آنکه در نیمه دوم سال ۶۱ تا آذر ۶۲ روس‌ها، اعراب، فرانسوی‌ها و حتی چین، ۴۰ فروند میک ۶، ۲۱ فروند میک ۲۵، ۸۰ فروند اف ۷ چینی و حدود ۱۰۰ فروند شکاری مدرن میراژ اف یک، سوپر اتاندارد و میک ۲۳ به صدام دادند که جانی دوباره به ارتش این کشور داد. همچنین سازمان نیروی زمینی عراق بزرگتر شده و تقریباً ۹۰ درصد ارتش این کشور را نیروهای با تجربه تشکیل می‌دادند چرا که عراق سربازی را از خدمت تشکیل می‌کرد حال آن که بدنه نیروهای مسلح ایران را نیروهای بسیج و وظیفه تشکیل می‌دادند که طبیعتاً تجربه‌ای مشابه نیروهای کادری نظیر کادر ارتش و سپاه نداشتند.

■ نتیجه‌گیری

عملیات خیبر اگرچه صدمه بزرگی به ارتش دشمن زد و بخش‌هایی از خاک عراق نیز به تصرف درآمد ولی نشان داد که اگر اقتصاد جنگ تقویت نشود و در بخش تجهیزات دچار عقب افتادگی قابل توجهی شویم به مرور مجبوریم در عملیات‌ها شاهد شهادت بیشتر نیروها و عدم دستیابی به اهداف شویم.

منابع:

■ میزگردهای تحلیلی نقش نه‌اجا در دفاع مقدس، به همت مرکز مطالعات راهبردی نه‌اجا، باغ موزه دفاع مقدس، آذر ۱۳۹۲

■ کتاب «ایران و عراق، نبرد در آسمان»، نوشته‌تام کوپر

■ کارنامه نبردهای زمینی، مرکز مطالعات وتحقیقات جنگ سپاه

■ حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس

■ درس‌های جنگ مدرن، آنتونی کوزمن، گراهام واگنر